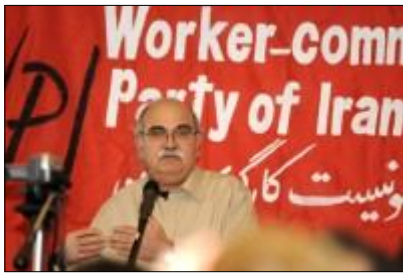


# شرایط تازه جهانی و موقعیت چپ

مصاحبه با حمید تقوایی



صفحه ۲

\* انقلاب خود چیزی بجز یک نقطه اوج در مبارزه طبقاتی نیست. مبارزه ای که همواره به اشکال آشکار و یا پنهان در جامعه وجود دارد و در تحلیل نهائی علت پایه ای همه تحولات سیاسی است

\* مبارزه بطور عریان و بیواسطه بین کمپ کار و سرمایه قطبی شده است اما بسیاری از نیروهای مدعی کمونیسم که بنا به تعریف باید ضد سرمایه باشند هنوز در دنیای جنگ سردی و نقد ناسیونالیستی امپریالیسم سیر میکنند

## بیانیه دفتر سیاسی

### پیرامون مساله ملی در کردستان و تحركات ناسیونالیستی

صفحه ۳

گفتگوی سیما بهاری با مصطفی صابر در تلویزیون کانال جدید

## در باره متد مارکسیستی بررسی جنگ



ادامه سیاست به طرق قهرآمیز است. و سیاست هم وجه تعیین کننده مبارزه طبقاتی یعنی مبارزه برای قدرت و اقتدار سیاسی است. کفایت که نگاه کنید و ببینید این ارتش های تا به دندان مسلح، این زرادخانه های اتمی و غیر اتمی که برای چندبار نابود کردن کره زمین کافی است در دست چه کسانی

صفحه ۴

سوریه؛ و سوالاتی در رابطه با متد مارکسیستی بررسی جنگ را با مهمان این برنامه ۳۰ دقیقه کانال جدید در میان میگذاریم... بگذارید از همین سوال سهل و ممتنع شروع کنم. اصولاً جنگ چیست؟ چرا آدم ها اینطور به جان و زندگی هم می افتند و همه چیز را نابود میکنند؟

مصطفی صابر: جنگ پدیده شوم و نفرت انگیزی است. ما برای این تلاش میکنیم که انسانها از شر جنگ و استثمار و سرکوب و بی حقوقی و نابرابری، از شر طبقات و مبارزه طبقاتی که جنگ هم یک نتیجه ناگزیر آنست رها شوند. تعریف مشهوری است که میگوید جنگ

سیما بهاری: جنگ چیست و چطور باید به آن برخورد کرد؟ این موضوع مهمی است چرا که جنگ های گوناگونی هم این لحظه که صحبت میکنیم جریان دارد و هراز چند گاهی جنگ و یا تهدید جنگ های بزرگ و منطقه ای بر زندگی میلیونها مردم نازل میشود و زندگی آنها را نابود میکنند و تحت تاثیر قرار میدهد. نمونه اخیر آن سوریه و تهدید حمله نظامی آمریکا به سوریه بود که از جانب نیروهای سیاسی مختلف برخوردهای متفاوتی به آن شد. اینجا نگاهی داریم شیوه ارزیابی و برخورد به جنگ با توجه به موارد مشخصی که در سالهای اخیر با آن مواجه بوده ایم و مشخصاً همین مورد

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۲۶

جمعه ۱۹ مهر ۱۳۹۲، ۱۱ اکتبر ۲۰۱۳

## مردم اصفهان به تجمعات ما عادت کرده اند

گزارشی از کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان

صفحه ۸

## پیام جمعی از زندانیان سیاسی در بند ۳۵۰ اوین به مناسبت روز جهانی کودک

صفحه ۶

## قطعنامه روز جهانی کودک

صفحه ۶

## حکومتی که آزادی بیان را سرکوب میکند

حق شرکت در نمایشگاه کتاب ندارد

صفحه ۷

## گزارش کنفرانس سایانه تشکیلات حزب کمونیست کارگری گوتنبرگ

صفحه ۸

## تصاویری از آکسیون های روز جهانی علیه اعدام

صفحه ۱۰

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## شرایط تازه جهانی و موقعیت چپ

مصاحبه با حمید تقوایی

انترناسیونال: در مقال "جمهوری اسلامی و پارادوکس رابطه با غرب" که در شماره قبل انترناسیونال چاپ شد به دوره جدیدی که در دنیا با انقلاب تونس شروع شده است اشاره کرده اید و تحولات سیاسی در ایران را متأثر از این تغییرات دانسته اید. در این مصاحبه قصد ما پرداختن به وضعیت سیاسی در ایران نیست بلکه میخواهیم در رابطه با روند و ادامه تحولاتی که آغازگر دوره تازه در جهان است یعنی سرنوشت تحولات موسوم به بهار عربی و همچنین جنبش اشغال بیشتر توضیح بدهید و بر این مبنی سئوالاتی هم در رابطه با موقعیت چپ علی العموم و مشخصاً حزب کمونیست کارگری مطرح خواهیم کرد.

اولین سئوال در رابطه با سرنوشت جنبش اشغال و انقلابات موسوم به بهار عربی است. شما این تحولات را آغازگر دور تازه‌ای در دنیا میدانید اما خود این تحولات به تغییرات اساسی‌ای منجر نشد. جنبش اشغال که بعد از مدت کوتاهی فرو خوابید و انقلابات موسوم به بهار عربی نیز بعد از سرنگونی دیکتاتورهای چند دهساله - مشخصاً در مصر و تونس و لیبی - بجائی نرسید و اهداف انقلاب - که در شعار نان آزادی کرامت انسانی بیان میشود - برآورده نشد. باتوجه به این شرایط چطور میتوان این تحولات را نقطه عطف و آغازگر دوران تازه در سیاست جهانی دانست؟

حمید تقوایی: قبل از هر چیز باید گفت که نباید با متدی که انقلابات را تنها بر اساس شکست و پیروزی ارزیابی میکند، تحولات اخیر را بررسی کرد. این متد قادر به توضیح

تحولات چند بعدی سیاسی و اجتماعی نیست. کلاهیچ تحول سیاسی - اجتماعی را نمیتوان با شیوه سیاه سفید شکست یا پیروزی محک زد و به نتایج درست و واقع بینانه ای رسید. بخصوص کمونیست‌هایی که نه توضیح و تفسیر بلکه تغییر تاریخ را وظیفه خود میدانند با چنین شیوه ای راه بجائی نخواهند برد.

انقلاب خود چیزی بجز یک نقطه اوج در مبارزه طبقاتی نیست. مبارزه‌ای که همواره به اشکال آشکار و یا پنهان در جامعه وجود دارد و در تحلیل نهائی علت پایه‌ای همه تحولات سیاسی است. انقلاب وقتی شکل میگیرد که این کشمکش همیشگی بین طبقات - در عصر حاضر بین طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر - حول مساله دولت یعنی قدرت سیاسی طبقه حاکمه حاد و متمرکز میشود و کل جامعه و همه نیروها و جنبشهای سیاسی را به دو کمپ انقلاب و ضد انقلاب تقسیم میکنند. ازینرو اولین معیار برای ارزیابی انقلاب قبل از صدور حکم در مورد شکست و یا پیروزی آن اینست که چه تاثیری بر روند مبارزه طبقاتی در آن جامعه معین و یا در سطح وسیعتری در منطقه و در جهان داشته است، فضا و شرایط سیاسی و اجتماعی برای مبارزه طبقه کارگر و کلا توده مردم ناراضی از وضع موجود مساعد تر و باز تر و یا محدود تر و تنگتر شده است، کمونیستها و کلا نیروهای انقلابی و چپ جامعه تا چه حد قویتر و یا ضعیف تر شده اند و فاکتورهای از این دست که مستقیماً به سیر و روند مبارزه طبقاتی در آن جامعه شکل میدهند. پیروزی یا شکست انقلاب نتیجه نهائی این روند

نمونه های بارز این کشمکش طبقاتی و عدم تثبیت قدرت سیاسی بورژوازی در این جوامع است. ثالثاً مستقل از روند و سرنوشت این انقلابات در هر کشور، تا همین جا این تحولات توازن قوا را در منطقه و در کل جهان در یک مقیاس کلان و استراتژیک به نفع کمپ کار و به ضرر کمپ سرمایه تغییر داده است. انقلابات موسوم به بهار عربی به دوره سیاه جنگ تروریستها که در آن تقابلی میان میلیتاریسم غربی و اسلام سیاسی سایه شوم خود را بر اغلب تحولات سیاسی بخصوص در منطقه خاورمیانه گسترده بود پایان داد و فاکتور قدرت توده مردم را در محور تحولات قرار داد.

به سراغ جنبش اشغال هم باید با همین معیارها رفت. جنبش اشغال نیز گرچه فروخوابیده است اما از تاریخ حذف نشده است. این جنبش نیروی اجتماعی چپ در جوامع غربی را در برابر حکومت یک درصدیها بمیدان آورد و چپ را در یک موقعیت تعرضی و راست جامعه را که با فریدمنیسم و ریگانیسم و تاچریسم تداعی میشد و بویژه بعد از فروپاشی شوروی یکه تاز میدان شده بود، در یک موقعیت دفاعی قرار داد و به عقب راند. جنبش اشغال نقطه عطفی در روند حرکت چپ در جوامع غربی بود، نقطه عطف گذار از نیروی فشار بر دولتها و طبقه حاکمه - نیروی فشار علیه جنگ و علیه گلوبالیزاسیون و علیه آلودگی محیط زیست و غیره - به نیروی علیه کل وضع موجود و علیه حاکمیت یک درصدیها. این تحول مهمی در سیر حرکت چپ در کشورهای غربی است که فی الحال در به چپ چرخیدن گفتمان و فضای سیاسی در این کشورها تاثیرات مهمی داشته است و بی تردید بر روند مبارزه طبقاتی در این کشورها و برآمدهای آتی تاثیرات مهمی خواهد داشت.

به این دلایل است که من این تحولات را آغازگر فصل و دوره تازه‌ای در روند مبارزه طبقاتی میدانم. فصل و دوره‌ای که، بر

خلاف دوره جنگ سرد و یا دوره جنگ تروریستها، توده مردم - کارگران و مردم زحمتکشی که تنها با تحقق آلترناتیو سوسیالیستی کارگران میتوانند به حکومت یک درصدیها پایان بدهند و به نان و آزادی و کرامت انسانی برسند - نقش تعیین کننده‌ای پیدا میکنند و مبارزه بین دو کمپ کار و سرمایه‌عریان و بلاواسطه در محور تحولات سیاسی قرار میگیرد.

انترناسیونال: تاکید شما بر بمیدان آمدن مردم و موقعیت تعرضی چپ این انتظار را بوجود می آورد که احزاب و نیروهای کمونیست در تحولات اخیر نقش برجسته‌ای داشته باشند در حالیکه واقعیت برعکس است. یک ضعف اساسی انقلابات اخیر فقدان یک نیروی کمونیست سازمانیافته بود که بتواند رهبری انقلابات را بدست بگیرد و انقلابات را به پیروزی نهائی برساند. سئوال اینست که علت این ضعف چیست؟ چرا علیرغم بحران حاد و مزمن سرمایه داری و شکل گیری جنبشها و انقلابات ضد سرمایه داری کمونیسم و چپ متشکل و متحزب در حاشیه است و قادر به دخالتگری و تاثیر گذاری در این تحولات نیست؟

حمید تقوایی: اگر بخوایم در یک جمله جواب بدهم علت جا ماندن کمونیسم متشکل و متحزب از تاریخ است. آوار فروپاشی شوروی بر سر نیروهای کمونیسم موجود نیز فرود آمد. بسیاری کمونیسم را کنار گذاشتند و به کمپ دموکراسی و بازار آزاد پیوستند اما مساله اصلی این نبود. مساله این بود که بسیاری از احزاب و نیروهای کمونیستی که در میدان ماندند نیز محصول دنیای جنگ سرد بودند و پایان دوره جنگ سرد پایان دوره این نوع کمونیسم هم بود. کمونیسم کارگری خود در نقد و در تمایز کامل با این نوع چپ اعلام موجودیت کرد اما جنبش چپ غیر کارگری، یعنی شاخه چپ جنبشهای استقلال طلبانه و ناسیونالیستی و صنعتگرا و ضد فئودالی و ضد

## بیانیه دفتر سیاسی پیرامون مساله ملی در کردستان و تحرکات ناسیونالیستی

یکی از پیامدهای تحولات اخیر منطقه خاورمیانه، تحرك ناسیونالیسم کرد در کشورهای مختلف برای رسیدن به توافق و سازش با دولتهای سرکوبگر مرکزی بمنظور سهیم شدن در قدرت است. درست در دوره انقلابات و اعتراضات توده ای گسترده در منطقه که مردم دولتهای ارتجاعی و سرکوبگر را زیر ضرب مبارزات خود قرار داده اند احزاب ناسیونالیست کرد به تلاش برای سازش و همراهی با این دولتها روی آورده و بار دیگر بی ربطی خود به مبارزه آزادیخواهانه مردم برای رهائی از شر این حکومت ها را به نمایش گذاشته اند. همراهی ناسیونالیسم کرد در سوریه با دولت اسد و شروع مذاکره و سازش پ ك با دولت ترکیه نمونه هائی از این سیاست ارتجاعی است که در ماههای اخیر شاهد آن بوده ایم.

تلاش احزاب ناسیونالیست کرد عراق برای برپایی آنچه آنرا "کنگره ملی کرد" مینامند و قرار است با گرد آوردن احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد از کشورهای ترکیه، سوریه، عراق و ایران صورت گیرد، سیاستی در همین راستا است. در واقع احزاب ناسیونالیست کرد عراقی با این ابتکار رویای این را دارند که بعنوان احزاب حاکم در "اقلیم کردستان عراق" به دولتهای منطقه نزدیک شوند و از این طریق جایگاه خود را در برابر دولت مرکزی عراق و همچنین در مقابل رقبای ناسیونالیست خود مستحکم تر نمایند.

تحرکات جریانات ناسیونالیست نه تنها کمکی به خلاصی مردم بخشهای مختلف کردستان از ستم ملی نمیکند، بلکه کشاکش های خونین آینده بر سر مناطق نفوذ نیروهای

ناسیونالیستی را پی ریزی میکند و از طرف دیگر شکاف میان مردم کردستان با بخش های دیگر مردم را دامن میزند. ناسیونالیسم کرد تاریخا نیز نشان داده است که نه فقط در مورد ستم ملی بلکه در هیچ زمینه ای با روند ترقیخواهی و امیال و آرزوهای توده های مردم کردستان همراه نیست و همواره بعنوان يك نیروی ارتجاعی مدافع و سخنگوی طبقات دارا، در حال مماشات با دولتها و نقطه مقابل منافع مردم زحمتکش بوده و با راه حلهایی نظیر خودمختاری و فدرالیسم به نهادهای شدن تفاوت های قومی دامن می زند. تجربه حاکمیت بیش از دو دهه احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق به تنهائی سند ورشکستگی این جریانات است و نشان میدهد که آنجا که این احزاب دستشان به قدرت برسد چیزی جز ارتجاع و عقب ماندگی، برقراری اعدام و سرکوب و زندان، رشد جریانات جنایتکار اسلامی و فساد و تبعیض و بیحقوقی، نصیب مردم نخواهد شد. احزاب ناسیونالیست کرد در سوریه و ایران و ترکیه نیز در این زمینه دست کمی از همکیشان خود در کردستان عراق ندارند. در کردستان ایران به یمن اجتماعی بودن کمونیسم و نفوذ آرا و افکار چپ و سوسیالیستی دامنه عمل ناسیونالیسم کرد محدود تر است و جنبش سوسیالیستی و انقلابی دست بازتری دارد. وجود همین فاکتور باعث تقویت اتحاد و همبستگی مردم کردستان با مردم سراسر ایران و مبارزه متحد مردم سراسر ایران علیه جمهوری اسلامی شده است.

عامل مستقیم تبعیض و ستم بر مردم کردستان دولتهایی

هستند که با تکیه بر ناسیونالیسم عربی و یا ارتجاع اسلامی و یا پان ترکیسم و ناسیونالیسم عظمت طلبانه ایرانی و اعمال قوانین ستمگرانه و استفاده از نیروی نظامی حقوق پایه ای و شهروندی مردم کردستان را نقض و انکار می کنند. خلاص شدن مردم کردستان از ستم و تبعیض منوط به مقابله با این دولتها و مبارزه متحد مردم علیه نابرابری و تبعیض است.

ما تاکید داریم که رهایی مردم کردستان بدون عقب راندن ناسیونالیسم و افشای سیاستهای ارتجاعی و تفرقه افکنانه جریانات ناسیونالیستی ممکن نیست. بر این اساس مبارزه متحدانه علیه ستمگریهای دولت مرکزی باید با مبارزه برای حاشیه ای کردن افق و سیاستهای تفرقه افکنانه و ارتجاعی نیروهای ناسیونالیست همراه شود. راه رهایی مردم کردستان گرد آمدن حول خواستها و مطالبات انسانی و برابری طلبانه و اتحاد و همبستگی با مبارزات سراسری توده های مردم علیه دولت های مرکزی در هریک از این کشورهاست. بدین منظور ما پلاتفرم زیر را اعلام میکنیم و همه مردم و احزاب و جریانات آزادیخواه در کردستان و خارج کردستان را به گردآمدن حول آن فرامیخوانیم:

۱- اعمال هر نوع ستم ملی و هر نوع تبعیض بر حسب ملیت در قوانین کشور و عملکردهای دولت باید ممنوع شود. همه مقررات و قوانین تبعیض آمیز علیه مردم کردستان باید فوراً ملغی شود. سیاستها و اقدامات سرکوبگرانه علیه این مردم باید فوراً متوقف شود. هر گونه تبعیض سیاسی، فرهنگی

باید خاتمه یابد. همه شهروندان جامعه باید مستقل از ملیت یا احساس تعلق ملی، مذهبی و نژادی از حقوق یکسان و مساوی برخوردار باشند. مردم کردستان باید از حق استفاده از زبان مادری خود در مکاتبات رسمی و در مراجع دولتی و در امر آموزش و پرورش و کلیه فعالیتهای اجتماعی برخوردار باشند.

۲- ما فدرالیسم و خودمختاری و هر طرح دیگری بر اساس قومیت را پاسخ "مسئله کرد" نمی دانیم. این آلترناتیوها نه راههایی برای حل مساله ملی بلکه نسخه هایی برای تداوم تخاصمات و کشمکش های ملی، برجسته کردن و ابدیت بخشیدن به هویت های ملی و قانونی کردن جدایی های ملی در چهارچوب يك کشور است.

۳- پاسخ اصولی ما برای رفع ستم ملی برابری حقوقی همه شهروندان در تمام شئون اجتماعی است. ما برای برقراری يك نظام سیاسی و اداری سکولار، غیرقومی و غیرمذهبی تلاش می کنیم که در آن برابری حقوقی کلیه اهالی و ساکنین مستقل از قومیت، جنسیت، نژاد، مذهب، اعتقادات، و غیره تضمین شده باشد. در عین حال ما از این حق مردم کردستان بطور کامل دفاع میکنیم که از طریق يك رفراندوم آزاد در مورد جدایی یا عدم جدایی بعنوان شهروندان متساوی الحقوق کشور تصمیم بگیرند. ما هر نوع توافق از بالا میان دول ارتجاعی و احزاب ملی - عشیرتی کرد برای تعیین تکلیف سیاسی و حقوقی کردستان را مردود می دانیم و خواهان مراجعه به آراء آزاد و مستقیم خود مردم در مورد

آینده سیاسی کردستان هستیم. ۴- بعنوان يك اصل عمومی ما خواهان زندگی همه آحاد مردم بعنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق در چهارچوب های کشوری بزرگتر هستیم.

ما همه مردم مبارز کردستان را فرامی خوانیم که برای بدست آوردن حقوق پایه ای خود، و به دست گرفتن سرنوشت خود با تمام قوا به میدان آیند و در عرصه های مختلف مبارزه حضور آگاه و متشکل خود را برای پیگیری آرزوها و تمایلات انسانی شان به نمایش بگذارند. لازم است کارگران و مردم زحمتکش کردستان در گردهمایی ها و مجامع عمومی خود با صدور قطعنامه و بیانیه این خواستها و مطالبات را مورد تاکید قرار دهند و برای به کرسی نشاندن رای و اراده خود بکوشند.

حزب کمونیست کارگری ایران مبارزه علیه هرگونه ستم ملی را بخش لاینفکی از مبارزه وسیع تر خود برای برپایی انقلاب کارگری و جامعه سوسیالیستی می داند. انقلاب و جامعه ای که با لغو استثمار سرمایه داری و از میان بردن تقسیم انسانها به طبقات ریشه های هرگونه ستم و نابرابری را می خشکاند و برابری واقعی یعنی امکان برخورداری از همه مواهب مادی و معنوی زندگی را برای همگان میسر می سازد. ما همه کارگران و مردم زحمتکش را به برپایی چنین انقلابی برای ایجاد يك جامعه آزاد و برابر و انسانی فرامی خوانیم.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۷ اکتبر ۲۰۱۳  
۱۵ مهر ۱۳۹۲

## متد مارکسیستی بررسی جنگ

است و از منفعت کی‌ها حمایت میکند تا به منشاء جنگ هم پی ببریم. در دوره ما جنگ‌ها محصول سرمایه‌داری و دست و پا زدن این مناسبات ضد بشری برای بقا است. تا وقتی حاکمیت سرمایه و سود و مالکیت خصوصی و استثمار هست متاسفانه جنگ هم هست و گاه حتی به مردم تحمیل میشود تا برای رهایی خود برای حق و حقوق خود دست به مبارزه مسلحانه بزنند و حتی جنگ کنند. هر اندازه که بشر بتواند سرمایه‌داری و بردگی مزدی و مالکیت خصوصی و تقسیم بشر به ملت‌ها و کشورها را به عقب براند و از بین ببرد، میتواند خطر جنگ را هم از بین ببرد.

سیمما بهاری: آیا متد و اصول مارکسیستی معین و تعریف شده‌ای در برخورد به جنگ وجود دارد؟

مصطفی صابر: مارکسیسم

تئوری جنبش رهایی انسان از قید بردگی مزدی و سرمایه‌داری است. بقول معروف "علم شرایط رهایی پرولتاریا" (کارگران، فروشنندگان نیروی کار، اکثریت عظیم مردم روزگار ما) است. مثل هر علمی همیشه در حال تحول است و حکمت و مبانی خود را از ضرورت‌های جنبش زنده پرولترها بر علیه سرمایه‌داری می‌گرد. در نتیجه اولین نکته این است که باید از الگو پردازی پرهیز کرد و هر جنگ را بطور مشخص بررسی کرد و سیاست پشت آنرا تشخیص داد. همانطور که جنگ ادامه سیاست است، برخورد به جنگ هم ادامه سیاست آن جنبش و نیروی است که به جنگ برخورد میکند. در نتیجه فصل خاصی در تئوری مارکسیسم در باره جنگ وجود ندارد. بلکه باید کل مبارزه طبقاتی و مجموعه مناسبات اقتصادی و سیاسی جهانی و منطقه‌ای در هر دوره و هر مقطع را دید و تشخیص داد که چرا یک

ارتجاعی آنوقت و جنگشان منظور است.

در دوره لنین هم نمونه معروف برخورد او به جنگ جهانی اول است که آنرا جنگ دولتهای بورژوازی و امپریالیستی برای تجدید تقسیم جهان ارزیابی کرد و گفت که کارگران و مردم هیچ نفعی در این جنگ ندارند و تنها راه پایان دادن این است که لوله‌های تفنگ را بطرف دولتهای خودی برگردانند. او در راس بلشویک‌ها در روسیه همین کار را کرد و با پیروزی انقلاب اکتبر تاثیر زیادی بر پایان بخشیدن به جنگ جهانی

مثل همه نیروهای راست پشت سر جمهوری اسلامی رفتند. برای همین چیزها خمینی میگفت "جنگ مانده الهی است"، چون نقش تعیین کننده‌ای در تشبیت جمهوری اسلامی داشت. موضع جریان ما که منصور حکمت بیان میکرد این بود که این جنگ علیه انقلاب ایران صورت می‌گیرد. و باید در مقابل جمهوری اسلامی و تهاجم عراق از انقلاب دفاع کرد. آنوقت حقیقتاً انقلاب ۵۷ هنوز زنده بود بخصوص در شکل شوراهای کارگری و دیگر تشکل‌ها و بعضی دستاوردهای دیگر. البته



گفتگو با مصطفی صابر

داشت که نباید ضرورت و امکان جنگ را با مطلوبیت آن برای دولتها یعنی با تبلیغات جنگی و دیپلماسی جنگی و خلاصه توجیهاتی که برای آن میشود قاطی کرد. خیلی وقتها ضرورت و امکان جنگ با همین مطلوبیت جنگ قاطی میشود. مثلاً اگر کسی دلیل حمله آمریکا به سوریه را خلع سلاح شیمیایی فکر کند آنوقت مطلوبیت جنگ را جای ضرورت آن قرار داده است. که ضرورت آن ناشی از مجموع منافع سیاسی آمریکا در منطقه است که البته ممکن است بطرق غیر جنگ یعنی مثلاً توافق با روسیه بدست بیاید.

سیمما بهاری: با این صحبت‌ها و بخصوص متدی که منصور حکمت ارائه میدهد شاید مناسب باشد به جنگ‌های ده بیست سال گذشته در جهان و در منطقه پیردازیم مثل حمله اول آمریکا به عراق و بعد جنگ علیه افغانستان که خود او زنده بود، در این موارد برخورد منصور حکمت چگونه بود؟

مصطفی صابر: نکته

جدید در برخورد او به جنگ برجسته کردن دوره‌های سیاسی و دیدن آنها در برخورد به جنگ بود. برای مثال جنگ اول عراق بعد از سقوط شوروی و در دوره نظم نوین جهانی که آمریکا میخواست آقایی اش به دنیا را ثابت کند راه افتاد. ما آن جنگ را محکوم کردیم چون برای تشبیت نظم نوین جهانی بود و حتی حمله صدام به کویت را محکوم نکردیم تا با سیاست‌های نظم نوینی همراه نشویم. اما جنگ افغانستان در دوره متفاوتی واقع شد. در دوره جنگ تروریستها، یعنی جنگ تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی پس از ۱۱ سپتامبر، صورت گرفت. در آن مورد ما هر دو سوی جنگ را محکوم کردیم و از قطب سوم یعنی مردم آزاد جهان در مقابل هر دو اینها دفاع کردیم. ولی نکته جالب در این مورد این است که حمله آمریکا به طالبان

مشترکی در این برخوردها هست؟

مصطفی صابر: با توجه به

کمبود وقت اجازه بدهید یکی دو مثال بزنم شاید تصویری بدهد. نوشته مشهوری از انگلس هست بعنوان "جنگ در اروپا" در سال ۱۸۵۸ که در یکی از روزنامه‌های مشهور وقت و البته به امضای مارکس به چاپ رسید. آنجا می‌بینیم که انگلس و مارکس با چه دقتی سیاست قدرت‌های بزرگ آنوقت را از روسیه و پروس گرفته تا فرانسه و انگلیس و ترکیه عثمانی را مورد بررسی قرار میدهد. نکته جالب توجه این است که در آن مقاله تاکید میشود که تنها بازیگران صحنه این پنج قدرت جهانی نیستند بلکه انقلاب هم یک طرف این جنگ است و پا به میدان خواهد گذاشت. طبعاً انقلاب علیه وضع موجود و علیه تلاش همه قدرت‌های سرمایه‌داری و

و خانمان برانداز اول داشت. اگر از این مثالهای بشود نتیجه‌گیری عامی کرد دو نکته است یکی اینکه چه مارکس و انگلس و چه لنین جنگ را بطور مشخص بررسی میکردند و تبیین دقیق و مشخصی از کل اوضاع و مجموعه مناسبات طبقاتی جهانی داشتند و دوم اینکه در برخورد به جنگ موضع و منفعت کارگران و مردم محروم و تسهیل شرایط برای انقلاب کارگری را دنبال میکردند.

سیمما بهاری: بگذارید به نمونه‌های متاخر تر بیایم و تجربه‌های اخیر برخورد به جنگ را نگاهی بکنیم. مثلاً جنگ ایران و عراق. در این رابطه نیروهای سیاسی چپ در ایران چطور برخورد کردند؟

مصطفی صابر: در جریان جنگ ایران و عراق بسیاری نیروی‌های چپ نشان دادند که تا چه حد ناسیونالیست هستند و

یکی دیگر از جریان‌های چپ، پیکار، این موضع را گرفت که باید جنگ ایران و عراق را به جنگ داخلی تبدیل کرد و شبیه لنین موضع گرفت. که منصور حکمت این موضع را نقد کرد که موضع الگو پردازانه‌ای است و به اوضاع مشخص ایران توجه ندارد. در همین رابطه بگویم که منصور حکمت مقاله جالبی نوشت به اسم "جنگ، تئوری، تئوری جنگ" که مبانی تئوریک خوبی برای بررسی جنگ ارائه داد. او می‌گوید تئوری باید ضرورت جنگ را نشان بدهد. یعنی نشان بدهد چه موقعیت تاریخی و جهانی و منطقه‌ای ادامه سیاست را بطور قهر آمیز یعنی بصورت جنگ ضروری کرده است. بعد باید نشان داد که آیا این ضرورت امکان دارد متحقق شود. یعنی توان و امکان جنگ برای پیشبرد آن سیاست بطور قهری هست، و بعد هم تاکید

از صفحه ۴

## متد مارکسیستی بررسی جنگ

را محکوم نکردیم هرچند حمله به مردم افغانستان را محکوم کردیم. بهر حال همانطور که گفتیم در هر دو این موارد نکته مهم در مورد بررسی و تحلیل جنگ در نظر گرفتن دوره های سیاسی در معادلات جهانی است. برای مثال باید توجه کرد که اکنون در دوره جنگ سرد، یا دوره نظم نوین جهانی، یا دوره جنگ تروریستها نیستیم. نمی شود مثلاً به جنگ لیبی یا سوریه عیناً مثل جنگ دوره نظم نوین جهانی برخورد کرد.

سیمما بهاری: جنگ هایی که در چند ساله اخیر جریان داشته را چطور باید بررسی کرد؟ مثلاً جنگ علیه قذافی در لیبی؟ یا همین مساله اخیر تهدید جنگ به اصطلاح "تنبیهی" آمریکا علیه بشار اسد در سوریه؟

مصطفی صابر: خوب این جنگ ها در دوره کاملاً متفاوتی دارد صورت میگیرد. میدانیم که به دنبال بحران اقتصادی جهانی ۲۰۰۹ رشته ای از انقلابات در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و جنبش های اجتماعی سراسر جهان را فرا گرفت که معادلات دوره قبل یعنی دوره جنگ تروریست ها را بهم زد. مهمترین فاکتور در این دوره، انقلابات و دخالت مردم بود. فاکتور مهم دیگر این دوره این بود که سیاست میلیتاریستی آمریکا و غرب که در دوره نظم نوین و دوره جنگ تروریست ها رکن اصلی سیاست اینها بود به شکست انجامید و قدری کنار رفت. چنانکه مثلاً بوش در دوره جنگ علیه تروریست های میگفت هرکس با ما نیست علیه ماست. اما اوایما گفت باید در سمت درست تاریخ ایستاد. دیدیم که در جنگ علیه قذافی آمریکا تقریباً پشت صحنه ایستاد و فرانسه بخصوص جلودار بود که منافع جدی تری آنجا داشت. قذافی از نزدیک با فرانسه کار میکرد تا حدی که مثلاً به کمپین انتخاباتی سارکوزی رئیس

است.

سیمما بهاری: حالا که از جنگ و نحوه برخورد به آن صحبت میکنیم خوبست از جریانی که خود را "جنبش ضد جنگ" می نامد و خود را چپ میدانند هم صحبت کنیم. برای مثال آنها در مورد تهدید جنگی آمریکا علیه سوریه چطور برخورد کردند؟

مصطفی صابر: جنبش ضد جنگ در غرب يك سابقه طولانی دارد که به دوره جنبش ضد جنگ ویتنام و حتی قبل تر میرود. بنظر میرسد که این جنبش مجموعاً در زمان منجمد شده و تغییر شرایط را که اشاره کردم نمی بیند. بعلاوه این جنبش يك موضع اساساً پاسیفیستی دارد و غالباً با طرفی که جنگ را راه انداخته مخالفت میکند و غالباً متوجه نیست که عملاً به موضع همراهی با طرف دیگر می افتد که هیچ دستکمی از آن اولی ندارد. یا اینکه به موضع دفاع از ادامه وضع موجود می افتد. ما اینرا مثلاً در جریان جنبش ضد جنگ در دوره عراق و افغانستان دیدیم. يك بخشی از این جنبش ضد جنگ که خودشان را چپ میدانند موضع ضد امپریالیستی و یا دقیقتر ضد آمریکایی دارند و بارها دیده ایم که چطور صریح و آشکار از حزب الله لبنان و احمدی نژاد و جمهوری اسلامی به بهانه مقابله با آمریکا دفاع میکنند. در مورد سوریه هم قبلاً اشاره کردم که بدون داشتن تحلیل و ارزیابی دقیق از اوضاع در حالیکه طی همه جنایات های اسد و حضور حزب الله و جمهوری اسلامی در سوریه ساکت بودند فقط وقتی جنبش ضد جنگ راه انداختند که خطر حمله نظامی آمریکا مطرح شد. اینها مساله شان سیاست های پاسیفیستی و ضد امپریالیستی خودشان است و يك لحظه هم به این فکر نمی کنند که مردم سوریه چطور از شر اسد و سایر نیروهای ارتجاعی اعم از سر به روسیه و جمهوری اسلامی و یا سر به آمریکا و عربستان سعودی رها شوند.

سیمما بهاری: بعنوان آخرین سوال برخی از خطر اینکه آمریکا و غرب به ایران حمله کند صحبت

میکند؟ نظرتان در این مورد چیست؟

مصطفی صابر: آمریکا و غرب خواهان استحاله جمهوری اسلامی و رام کردن آن هستند. این سیاست الزاماً به جنگ و اقدام نظامی منجر نمی شود. ضمن اینکه بقول خود آمریکا "گزینه نظامی روی میز است" یعنی امکانش هست. اما کسانی که کاسه داغ تر از آش هستند، نظیر اکبر گنجی، یا نظیر بعضی نیروهای چپ و ضد امپریالیستی، و مردم را از خطر جنگ میترسانند نهایتاً به این نتیجه میرسند که باید از همین جمهوری اسلامی دفاع کرد. لاقلاً در مورد امثال گنجی بروشنی مساله همین

است. ما البته مخالف هرگونه نظامی غرب هستیم چرا که به ضرر مبارزه مردم است و به جمهوری اسلامی امکان میدهد فضا را میلیتاریزه کند. میتواند فجایع زیادی بیافریند. اما در همانحال در هیچ وضعیتی کنار جمهوری اسلامی قرار نمی گیریم. برعکس فکر میکنیم يك راه واقعی برای منتفی کردن احتمال جنگ و یا حتی اگر راه افتاد راه واقعی برای پایان دادن فوری به جنگ این است که مردم علیه جمهوری اسلامی مبارزه کنند و با مبارزه و انقلاب خودشان این رژیم را عقب برانند و از سر راه شان بردارند. \* (۲۳ سپتامبر ۲۰۱۳)

## مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما"  
در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل  
دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال ویز  
به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و  
آشنایانتان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: [nctv.tamas@gmail.com](mailto:nctv.tamas@gmail.com)

## قطعنامه روز جهانی کودک



دنیای بهتر برای کودکان تنها یک رویا نیست، این دنیا با دست توانای انسان قابل تحقق و ممکن است. داشتن امکانات و زندگی شایسته برای همه کودکان جامعه تنها یک آرزو نیست، ایجاد جامعه ای سرشار از آسایش، رفاه و خوشبختی برای کودکان تنها یک خیال نیست، اینها با نیروی کار بشر، پیشرفت های علمی، تکنولوژیکی، فنی و صنعتی مدرن قابل تامین و دست یافتنی است. رعایت حقوق جهان شمول کودکان بلند پروازی نیست، رعایت حقوق کودک برآوردن توقعات یک جامعه انسانی و متمدن است. رعایت حقوق کودک یکی از معیارهای بیان وجود عدالت در هر جامعه ای است. کانون دفاع از حقوق کودکان اعلام میکند که ما نمی توانیم دنیای کودکان را تنها به دورنگ سیاه و سفید تصور کنیم. برای ما پذیرفتنی نیست که دنیای کودکان را به دویخش دارا و ندار تقسیم کرده اند. همه نعمات و امکانات برای عده ای هست و برای اکثریتی نیست.

در جهت عدالت برای همه کودکان جامعه تلاش میکنیم. بر این کره خاکی علاوه بر رنگ سیاه و سفید رنگهای زیبا و متنوع دیگری هستند که نباید میلیونها کودک از دیدن آن در زندگی شان محروم شوند. رنگهای متنوع در امکانات تفریحی، رفاهی و محیط

زیستی قابل رویت و جلوه گر هستند. مثل قلم های رنگین، میوه های رنگین، خانه های مناسب با منظره های زیبا و رنگارنگ و... اگر عدالت باشد می توانیم رنگها را به زندگی کودکان بیاریم و محیط زندگی همه کودکان را با رنگ های مورد علاقه شون نقاشی کنیم. پس بیاید باهم برای رعایت حقوق کودکان و تامین عدالت و زندگی شایسته کودکان تلاش کنیم.

ما امروز اینجا جمع شده ایم که فریاد برآوریم که کودک آزادی، خشونت، گرسنگی کودکان، استثمار کودکان، تحمیل جنگ و شکنجه، کشتار کودکان، رنج و مشقت بر کودکان لکه های ننگی است که از بشریت غیر متمدن بجای مانده است و هنوز با اشکال مختلف در مناسبات و روابطه دنیای امروز بازتولید می شوند. بشریت متمدن می تواند جامعه را از این لکه های ننگ رها سازد. اینها شایسته یک جامعه انسانی نیست. آمده ایم که بگوییم در این دنیای غیر عادلانه امید و تلاش برای نجات قربانیان وضع موجود هست. آمده ایم که بگوییم همه کودکان به جامعه تعلق دارند. نباید کودکان این جامعه را با عنوان بی سرپرست، کودک بی پناه، کودکان کار و خیابان در دست سودجویان رها کرد. دولت باید شرایط بهتر

۸- ممنوعیت اعدام در جامعه و ممنوعیت حکم اعدام و شکنجه برای کودکان زیر ۱۸ سال.

۹- رفع هرگونه تبعیض و به رسمیت شناختن حق برابر برای دختر و پسر در برخورداری از حق ارث و سایر حقوق مدنی و اجتماعی.

۱۰- ممنوعیت بهره کشی از کودکان و نوجوانان کوله بر در شهرهای مرزی و تامین امنیت و زندگی برای آنها و محاکمه عواملان خشونت بر کودکان و نوجوانان کوله بر در شهرهای مرزی.

۱۱- تامین امنیت، بهداشت و آموزش و پرورش برای کودکان پناهنده، لغو مقررات و قوانین اجباری اخراج کودکان مهاجر از ایران و لغو مقرراتی که باعث محرومیت کودکان پناهنده از تحصیلات، امنیت و زندگی اجتماعی می شود.

۱۲- تشکیل دادگاه عادلانه و صالح برای عاملین هرگونه خشونت و کودک آزاری در جامعه با حضور هیئت منصفه از طرف مردم.

۱۳- قانونی کردن حق ازدواج سرپرست با فرزند خوانده تجاوز به حقوق کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال است، تصویب این قانون زمینه سو

زیستن کودکان را فراهم کند. بنا براین، همه باهم برای دفاع از حقوق و حیثیت کودکان در جامعه می کوشیم و خواهان تامین مطالبات ذیل هستیم:

۱- رسیدگی فوری دولت به زندگی کودکان بی پناه، کودکان کار و خیابان، تامین مسکن و امکانات رفاهی و زیستی برای آنان، بدون هیچ گونه عذر و بهانه ای.

۲- آموزش و پرورش مدرن، انسانی و رایگان برای همه ی کودکان.

۳- بهداشت و درمان رایگان برای همه کودکان.

۴- ممنوعیت بهره کشی از کودکان.

۵- ممنوعیت انجام کار حرفه ای برای کودکان زیر ۱۸ سال.

۶- تامین امنیت، آسایش و رفاه، برخورداری از یک زندگی شاد و انسانی برای همه ی کودکان.

۷- ممنوعیت هرگونه مقررات و قوانینی که موجب خشونت و سختی بر کودکان است.

دنیائی عاری از کار و استثمار برای همه کودکان دنیا عملی است. سعادت و خوشبختی برای همه کودکان دنیا امکان پذیر است ولی از آنها سلب شده است. ما ضمن گرامیداشت این روز خاطر نشان می کنیم که فرزندان ما سزوار این نیستند که پدرانشان در زندان باشد.

علی علایی، مصطفی بادکوهی، سید محمد ابراهیمی،

استفاده از کودکان بی سرپرست را برای سوء استفاده کنندگان فراهم میکند. ما خواستار لغو و توقیف فوری این مصوبه مجلس شورای اسلامی هستیم.

۱۴- تحمیل جنگ خانمان سوز به زندگی مردم کشور سوریه غیرانسانی و ناعادلانه است. فاجعه کشتار شهروندان، زنان و کودکان در سوریه را به شدت محکوم میکنیم. ما خواستار قطع بی درنگ جنگ و تامین امنیت و آسایش برای مردم آواره و جنگ زده این کشور هستیم.

۱۵- تحریم های اقتصادی توسط کشورهای سرمایه داری علیه مردم ایران را محکوم میکنیم و خواستار لغو فوری تحریمها علیه کشورمان هستیم. این تحریم ها باعث تشدید مشقت، گرانی، فقر و فلاکت بیشتر به زندگی مردم جامعه شده است. کودکان اولیین قربانیان شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی تحت شرایط موجود هستند.

پرتوان باد جنبش دفاع از حقوق کودک

کانون دفاع از حقوق کودکان  
شرکت کننده گان در مراسم روز جهانی کودک  
شهر سنجند  
۱۶ مهرماه ۱۳۹۲

## پیام جمعی از زندانیان سیاسی در بند ۳۵۰ اوین به مناسبت روز جهانی کودک خطاب به فرزندانشان و همه کودکان دنیا!

عیاضی، بهزاد میرزائی، محمد حسن یوسفپور، علی ذاکری، فرزاد روحی، محمد صدیق کیود وند، مصطفی دانشجو، محمد سجاد احمدی، امید بهروزی، علی زاهد، مهدی تارخ، رحمان قهرمان پور، مجید محمدی معین، علیرضا سیبلیان، محمد داوری، امید زارعی نژاد، اسدالله اسدی، صادق شفاپی، محمد اسحاق آبادی، وحید اصغری، سید محمد خدایی، سینا عظیمی، جمیل شاهرادی، ...

بهنام ابراهیم زاده، علی رضا احمدی، محمد مهدی ساجدی فر، سعید حائری، افشین کرم پور، صای آوعار ستوده، رضا شهابی، فرشید فتحی، سعید عابدینی، فرشید یداللهی، سید امیر خرم، مهدی تاجیک، شهرام یارمند، مهرداد آهان خواه، علی رضا روشن، علی رضا رجایی، مصطفی ریسمان باف، محمد مهدی بردبار، امید کوکبی، غلام رضا حسینی، پژمان ظفرمند، مرتضی خزانه داری، پوریا شاپری، کامران

## حکومتی که آزادی بیان را سرکوب میکند حق شرکت در نمایشگاه کتاب ندارد گزارش از دومین روز شرکت در نمایشگاه کتاب فرانکفورت



روز به افشای جنایات جمهوری اسلامی پرداخته و معنی "اعتدال" و دولت روحانی را برای حاضرین تشریح کردند و توضیح دادند که رژیمی که اینجا اجازه غرفه کتاب به او داده شده، در ایران نویسندگان را سرکوب و ترور میکند، زندانی و شکنجه میکند و ساده ترین حق آزادی بیان و اعتراض را از مردم گرفته است، حمله اوباش حکومت به زنان در سراسر کشور جریان دارد و نزدیک به ۲۵۰ نفر در طول دوره سر کار آمدن روحانی اعدام شده اند.

نمایشگاه کتاب و غرفه و میز اطلاع رسانی ما همه روزه تا آخرین ساعت برگزاری نمایشگاه در روز یکشنبه دایر خواهد بود. از ایرانیان مقیم آلمان مخصوصا فرانکفورت دعوت میکنیم در نمایشگاه شرکت کنند تا ماهیت پلید حکومت اسلامی را هرچه بیشتر به مردم توضیح دهیم. کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار

ایران سولیداریتی  
۱۰ اکتبر ۲۰۱۳

نمایشگاه کتاب فرانکفورت تا روز یکشنبه ۱۳ اکتبر از ساعت ۹ صبح تا ۶ عصر:  
آدرس: سالن C. 1  
Reihe L (فلرید) 84-90  
غرفه ها

بحث و گفتگو پرداخته و به سوالات آنها پاسخ دادند. بعد از ظهر امروز مینا احدی نیز در این نمایشگاه حضور داشت و پیرامون موضوعات مختلف با مراجعه کنندگان به غرفه بحث و گفتگو کرد. یکی از مسئولان سازمان حقوق بشر هندوستان با حضور در محل غرفه از دست اندرکاران نمایشگاه دعوت کرد که برای سخنرانی درباره وضعیت زنان در ایران به هند بروند. تعداد قابل توجهی از بازدید کنندگان نیز خواهان برقراری تماس شدند.

استقبال از میز اطلاع رسانی امروز بسیار چشمگیر بود. صدها نفر از آلمان، هند، ژاپن، پرتغال، ترکیه، لوگزامبورگ و نروژ به تماشای عکس ها و پوسترها پرداخته و با مسئولین میز پیرامون مسائل ایران به بحث و گفتگو پرداختند. پوستر وانتد روحانی - خامنه ای توجه بسیار زیادی را به خود جلب کرد. تعدادی نیز با کمک مالی و یا امضای یک پتیشن حمایتشان را از این فعالیت ها اعلام کردند. دهها عکاس و خبرنگار از میز اطلاع رسانی عکس گرفتند و گزارش تهیه کردند.

فعالین حزب، کمیته بین المللی علیه اعدام و ایران سولیداریتی در تمام طول این دو

آن برپا کرده اند، با بازدید کنندگان از نمایشگاه پیرامون مسائل و موضوعات مهم مرتبط با وضعیت زنان، اوضاع سیاسی ایران بعد از آمدن روحانی و گسترش اعدام ها با بازدید کنندگان به

است دیدن کردند.

فعالین حزب کمونیست کارگری، کمیته بین المللی علیه اعدام و ایران سولیداریتی در کنار غرفه ای که در داخل نمایشگاه و میز اطلاع رسانی که در محوطه

در دومین روز نمایشگاه جهانی کتاب فرانکفورت، از ساعت ۹ صبح تا ۶ بعد از ظهر صدها نفر از میز اطلاع رسانی و غرفه ای که توسط کمیته بین المللی علیه اعدام و ایران سولیداریتی برپا شده

Don't let their heartbeats stop  
نگذارید قلبشان از تپش باز ایستد



کمپین حمایت از زندانیان بیمار  
نگذارید قلبشان از تپش باز ایستد



awaits political prisoners  
with medical needs in Iran

Campaign to support political prisoners in Iran  
deprived of medical attention

the Islamic regime in Iran is killing  
political prisoners by denying  
them medical attention



www.iranpoliticalprisoners.com

Campaign to support political prisoners in Iran deprived of medical attention

## مردم اصفهان به تجمعات ما عادت کرده اند

گزارشی از کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان

سهراب



IMNA NEWS AGENCY

Photo : Ali Khodaei

عکسی از تجمع بازنشستگان در اصفهان

من کارگر بازنشسته ذوب آهن هستم. یک معضل ما تعویق پرداخت دستمزدهایمان است. به

عمده بازنشستگان بعد از سالها کار و مشقت بجای داشتن زندگی ای در آرامش کار دوم داشته باشند و باز هم پولی که در می آوریم به هیچ کجای زندگی مان نمی رسد. این را بگویم که در تجمعات هر روزه بازنشستگان ذوب آهن، زنان بازنشسته نقش فعالی دارند و یک پای دائم این تجمعات هستند. الان بحث در میانمان تدارک تجمع بعدی برای نقد کردن طلب هایمان است. چون مهر دارد به آخر میرسد و با این حساب ما دو ماه طلبکار میشویم. خیابان نشان مدتهاست به پاتوق و محل تجمع ما کارگران بازنشسته تبدیل شده است. در این جمع شدن های هر روزه از همه چیز بحث است. از گرانی، از نابسامانی درمان و هزار بدبختی و گرفتاری دیگر. گاهای نیز دوستان از شنیده ها میگویند. از ماهواره ها و از کانال جدید میگویند. نیروی انتظامی هم در محل گشت میزند و غلطی نمیتواند بکند. این فضای شهر اصفهان و زندگی ما کارگران بازنشسته ذوب آهن است.\*

همین خاطر باید مدام جمع باشیم و اعتراض کنیم تا حتماً را بگیریم. این کار همیشگی ما در این چند سال بوده است و مردم اصفهان به این تجمعات ما عادت کرده اند. ده روز قبل بود که در محل دفتر امور بازنشستگی در خیابان نشاط جمع شدیم و بعد از دو سه روز تجمع و اعتراض توانستیم دو ماه دستمزدمان را بگیریم. الان یکماه دیگر طلب داریم. با همکارانمان هر روز جلوی دفتر در خیابان نشاط جمع میشویم. هر روز صد تا دویست نفر میشویم. البته جمع ما هزاران نفره است و همه از این وضعیت ناراضی هستیم و عملاً این تعداد که جمع میشویم همه را نمایندگی میکنیم و هر کس با توجه به کار دومی که دارد هر وقت فرصت کند در این تجمع شرکت میکند. میخواهیم سطح دستمزدمان افزایش یابد. میخواهیم دستمزدمان بموقع پرداخت شود. میخواهیم بیمه درمانی شایسته انسان داشته باشیم. مرتب وعده میدهند. ولی فشار گرانی و سطح نازل دستمزدمان باعث شده که بخش

## گزارش کنفرانس سالیانه تشکیلات حزب کمونیست کارگری گوتنبرگ



نوید مینایی. در اولین جلسه کمیته نوید مینایی به عنوان دبیر و نازیلا صافی به عنوان خزانه دار کمیته انتخاب شدند.

۶ اکتبر ۲۰۱۳

ایده های مختلفی مطرح شد و بحث های مفیدی در گرفت. در بحث انتخابات، شش نفر بعنوان اعضای کمیته انتخاب شدند که عبارتند از: عبدالله اسدی، سوسن صابری، نازنین صدیقی، نازیلا صافی، فلورث معارفی و

کنفرانس با حضور اعضا و کادرهای حزب و با حضور تعداد قابل توجهی از دوستاناران حزب برگزار شد. در ابتدا دستور جلسه و گزارش عملکرد یکساله تشکیلات حزب در گوتنبرگ بین شرکت کنندگان توزیع شد و سوسن صابری دبیر کمیته حزب به شرکت کنندگان خوشامد گفت. طبق برنامه نوید مینایی درباره اوضاع سیاسی جدید ایران و منطقه و همچنین درباره فضای ایجاد شده درباره رابطه ایران و آمریکا صحبت کرد.

جلسه با گزارش سوسن صابری از عملکرد و همچنین معرفی فعالیت های مختلف کمیته در سال گذشته ادامه یافت. در ادامه سوسن صابری فعالین عرصه های مختلف را معرفی و از آنان از طرف کمیته قدردانی کرد و رفقای مسئول درباره فعالیت و ملزومات بهبود کارشان توضیحاتی به کنفرانس ارائه دادند. سحر ادیب به عنوان فعال کمیته علیه اعدام درباره نحوه کار و فعالیت در این عرصه توضیحاتی داد، مسعود نصرالهی درباره خبرنگاری برای کانال جدید توضیحاتی داد و عبدالله اسدی و بهنام آزاد درباره فعالیت فدراسیون پناهندگان ایرانی صحبت کردند.

جلسه با دخالت فعال حاضرین ادامه یافت و سوالات و



## شرایط نازه جهانی و موقعیت چپ

"امپریالیستی" - بمعنی ناسیونالیستی ضد بیگانه - بستر اصلی کمونیسم دوره جنگ سرد را تشکیل میداد و هنوز هم خیلی از احزاب و نیروهائی که خود را کمونیست میدانند در همین بستر قرار دارند.

در تمام انقلاباتی که در قرن گذشته اتفاق افتاد - از جمله انقلاب اکتبر - این چپ غیرکارگری نقش تعیین کننده ای داشت. انقلاب اکتبر را نهایتاً ناسیونالیسم صنعتی گرا که با منشویسم و بعد از مرگ لنین با کمونیسم نوع استالین نمایندگی میشد، به شکست کشاند. در انقلابات ضد فئودالی و ضد استعماری نظیر انقلابات چین و کشورهای آسیای جنوب شرقی و ویتنام و کوبا و از جمله تحولات دهه سی و انقلاب ۵۷ در ایران نیز همین چپ ناسیونالیستی - ضد فئودالی - ضد استعماری دست بالا را داشت.

از نظر سیاسی چپ متشکل در ایران و در سطح جهان اساساً به دو کمپ روسی و چینی تقسیم میشد که یکی با پرچم راه رشد غیر سرمایه داری و دیگری تروسه جهان در واقع بعنوان عامل پیشبرد سیاست خارجی چین و روسیه در رقابت با یکدیگر و با کمپ سرمایه داری غربی عمل میکردند. حزب توده نمونه تیبیک این نوع چپ است که از همان آغاز روی کار آمدن جمهوری اسلامی بخاطر ضد آمریکائیگری رژیم در خدمت آن درآمد و تا امروز به این خدمتگزاری ادامه داده است. نمونه دیگر سازمان تروتسکیستی اس. دبلیو. پی. انگلیس است که آن هم از سر ضد آمریکائیگری در کنار حسن نصرالله و جمهوری اسلامی قرار گرفته است.

این نوع جنبش ملی - ضد استعماری - صنعتی - ناسیونالیستی تا زمانی که هنوز در دنیا نظامهای فئودالی و مستعمره وجود داشتند محلی از اعراق داشت و شاخه چپ آن هم

میکند. این جا ماندن از دنیای امروز به نظر من اصلی ترین علت بی ربطی بسیاری از نیروهای چپ متشکل به تحولات جاری است. نکته مهم اینجا است که همانطور که در سؤال قبلی توضیح دادم این تحولات یک نیروی چپ اجتماعی را بجلو رانده است که گرچه متشکل نیست و بسیاری از

حزب ما هنوز تا تبدیل شدن به یک حزب سیاسی و نیروی با نفوذ و موثر اجتماعی فاصله زیادی دارد.

معضل ما البته جا ماندن در دوره جنگ سرد نیست. کمونیسم ما، جریانی که به تشکیل حزب کمونیست ایران و حزب کمونیست کارگری تبدیل شد، از همان

## کلید پیشروی حزب ما بسیج توان و امکانات حزب برای فعالیت و درگیر شدن هر چه وسیعتر در عرصه های مختلف پراتیک اجتماعی است

انقلاب ۵۷ در تمایز با و در نقد کمونیسم صنعتی گرا و ناسیونالیستی، کمونیسم نوع روسی - چینی شکل گرفت. معضل ما تداعی شدن کمونیسم در افکار عمومی و در باورهای مسلط بر جامعه با این نوع کمونیسم غیر کارگری است. نیروهای مدعی چپ و کمونیسم موجود - نه تنها کمونیسمهای حکومتی در بلوک شوروی سابق و در چین امروز - بلکه دولتهای چپ نوع ونزوئلا و کوبا که متحد و همراه جمهوری اسلامی هستند، و نیروهای چپ باصطلاح کمونیست از نوع حزب توده و اس. دبلیو. پی و غیره تصویری منفی از کمونیسم بدست داده اند و این به نظر من مهمترین مانع برای دخالتگری و تاثیر گذاری موثر حزب در تحولات جاری از جمله در تحولات ۸۸ ایران بود.

برای فاتح آمدن بر این مانع تنها نقد و مرزبندی نظری و سیاسی کافی نیست، بلکه باید در عرصه پراتیک اجتماعی و مبارزه عملی کمونیسم واقعی، کمونیسم ضد سرمایه و ضد تبعیض و ضد دیکتاتوری، کمونیسم آزادیخواه و باز و مدرن و شاد و انسانی - یعنی کمونیسمی درست صد و هشتاد درجه نقطه مقابل کمونیسم خاکستری نوع روسی و چینی - را معنی و نمایندگی کرد. بخصوص جهان امروز و جنبشها و انقلابات جاری و چپ اجتماعی یا کمونیسم خیابانی که بر متن این شرایط شکل گرفته است چنین کمونیسمی را می طلبد و بمیدان فرا میخواند. کمونیسم کارگری از لحاظ نظری و سیاسی و از نظر ابعاد

فعالین آن نیز خود را کمونیست و مارکسیست نمیدانند اما عملاً و در پراتیک مبارزاتی خود ضد وضع موجود و ضد سرمایه است. همین چپ اجتماعی است که در انقلابات بهار عربی و جنبش اشغال نقش اساسی و تعیین کننده ای ایفا کرد. نیروئی که من در نوشته های قبلی آنرا کمونیسم خیابانی نامیدم، کمونیسم غیر کارگری این چپ اجتماعی را نمایندگی نمیکند و در نتیجه قادر به ایجاد ارتباط با آن و سازماندهی و رهبری کردن این نیروی عظیم اجتماعی هم نیست. انترناسیونال: در مورد کمونیسم کارگری چه میگوئید؟ چرا حزب کمونیست کارگری نتوانسته است با این چپ اجتماعی مرتبط بشود و لاقدر در عرصه سیاست ایران مثل در جریان جنبش انقلابی ۸۸ نقش تعیین کننده ای ایفا کند؟

حمید تقوائی: همانطور که اشاره کردم کمونیسم کارگری خود زاده نقد چپ روسی - چینی و کلا چپ ناسیونالیستی در مقطع فروپاشی دیوار برلین بود. اما این خصیصه خودبخود آنرا به یک جریان اجتماعی و سیاسی با نفوذ در جامعه تبدیل نمیکند. این مستلزم رویکرد و جهتگیری ای بود که منصور حکمت آنرا تحت عنوان نظریه حزب و جامعه و حزب و قدرت سیاسی و بعنوان

گذار از گروه فشار به حزب سیاسی تدوین و فرموله کرد و در دستور حزب قرار داد. به نظر من تحولات اخیر - دوره بعد از جنگ تروریستها - صحت و ضرورت این جهت گیری را صد چندان میکنند. و در عین حال نشان میدهد که

دخالتگری و مبارزه ای که هم اکنون در عرصه های مختلف به پیش میبرد چپ اجتماعی امروز و کمونیسم متشکل قادر به پاسخگویی به ضروریات و نیازهای مبارزاتی امروز را نمایندگی میکند ولی این هنوز کافی نیست. همانطور که اشاره کردم کلید مساله پراتیک اجتماعی است. تصویری که سرمایه داری دولتی تحت نام کمونیسم و فروپاشی آن و همچنین تبلیغات جنگ سرد سرمایه داری غرب علیه کمونیسم، در افکار عمومی و اذهان توده مردم ایجاد کرده است را تنها با پراتیک فعال و همه جانبه اجتماعی میتوان در هم شکست.

کلید پیشروی حزب ما بسیج توان و امکانات حزب برای فعالیت و درگیر شدن هر چه وسیعتر در عرصه های مختلف پراتیک اجتماعی است. به نظر من تنها در عرصه های مبارزه عملی، از جنبش کارگری و مبارزه علیه فقر و فلاکت و بیکاری گرفته تا مبارزه علیه مذهب و علیه اسلام سیاسی در ایران و در سطح جهانی و تا مبارزه علیه اعدام و علیه بیحقوقی مفرط زنان و غیره و غیره میتوان توده کارگر و توده مردم معترض به وضعیت موجود را بسیج کرد و رابطه تنگاتنگی با چپ اجتماعی در شرایط امروز برقرار نمود. نه تنها حزب و کمونیسم کارگری، بلکه کلا کمونیسم متشکل و متحزب امروز اگر میخواهد در تحولات جاری دخالتگر و موثر باشد باید اولاً شرایط تازه جهانی و نیروی چپ اجتماعی که بر متن این تحولات بمیدان آمده است را عمیقاً و بروشنی بشناسد و در محور سیاستهای عملی خود قرار بدهد و ثانیاً با پراتیک اجتماعی خود و بجالش کشیدن کاپیتالیسم در همه زمینه ها به نمایندگی و پرچمدار و رهبر این چپ اجتماعی تبدیل بشود. این جهت گیری عملی حزب ما در شرایط حاضر است و ما با تمام توان خود به حرکت در این جهت ادامه خواهیم داد.\*

## تصاویری از آکسیون های روز جهانی علیه اعدام

یافته است، صحبت کردند و حاضرین علیه اعدام و علیه جمهوری اسلامی شعار دادند و مماشات با دولت جنایتکار جمهوری اسلامی را محکوم کردند.\*

بعنوان قتل عمد دولتی صحبت کردند، خواهان لغو مجازات ضدانسانی اعدام شدند، علیه جمهوری اسلامی که بعد از چین بیشترین اعدام ها را دارد و بویژه در دوره "اعتدال" روحانی بساط اعدام گسترش بیشتری

المللی علیه اعدام، نهاد مادران علیه اعدام، حزب حکمتیست و جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی (کلن) و برخی دیگر از نهادهای مخالف جمهوری اسلامی سازماندهی شده بود، سخنرانان علیه مجازات اعدام

شلوغ شهر تورنتو (کانادا)، در مقابل پارلمان سوئد در استکهلم، در مرکز گوتنبرگ (سوئد)، در لندن و برخی شهرهای دیگر برگزار شد. در این آکسیون ها که توسط حزب کمونیست کارگری، کمیته بین

روز ۱۰ اکتبر (۱۸ مهر) به مناسبت روز جهانی علیه اعدام آکسیون هایی در شهرهای فرانکفورت در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی، در اسلو (نروژ) مقابل پارلمان این کشور، در یکی از مراکز



www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

انترناسیونال

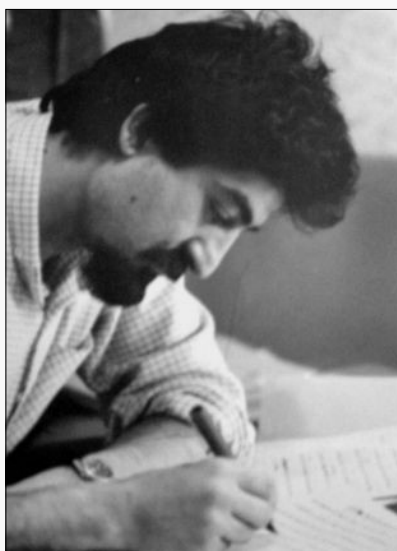
نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



مجازات اعدام اسم دولتی  
کلمه کشتن است.

مجازات اعدام  
وقیحانه ترین و کثیف ترین  
شکل قتل عمد است.

منصور حکمت - مصاحبه با  
فصلنامه خاوران پائیز ۱۳۷۹